

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۴ نومبر ۲۰۱۲

در دین اکراه نیست ؟؟؟؟

همی نالد که این خواب گران چیست

نشاید این قدر بی اعتناء زیست

گر این آهنگ بیدارت نسازد

چو تو افسرده جان در رهروان نیست

(۴)

در این سایت آزادگان یعنی پورتال گرانمایه (افغانستان آزاد – آزاد افغانستان) نوشته‌ای جالب و خوبی را که توسط یکی از هموطنان پژوهشگر ما تحریر یافته بود با دلچسپی و علاقه‌مندی خاصی خواندم، و آرزو کردم کاش هر کس می‌توانست برای خود دینی، مذهبی و باورهای عقیدتی انتخاب و پیرو آن باشد، اگر این جمله یا آیت معیار سنجش و عملکرد یک تعداد دیوانه‌های زنجیری اسلامی از آغاز تا ملا عمر می‌بود امروز به اعتقاد و باور قوی وضع جهان بهتر از این شکل و محتوا می‌داشت؟؟ و از دیوانگی و چپاول این ادیان میلیون‌ها قربانی انسانی به جا نمی‌ماند؟؟ در خرابه‌های مراکز علم و دانش فاخته‌ها کوکو نمی‌زد و این جهان، دنیائی می‌بود به یقین که دو هزار سال بعد به وجود می‌آمد؟؟ و اگر تمام مشکلات زندگی بشریت از بین نمی‌رفت حد اقل عقل انسانی سرنوشت سازنده خرافات و کهنه‌گرایی وجود نمی‌داشت و مردم می‌توانستند در آرامشی نسبی زندگی داشته باشند و سرنوشت آینده سازان ملتها را در رو شنائی واقعیت‌ها و فهم و دانش بشری مشخص می‌ساختند نه در اوهام و شیخ پرستی خرافی ادیان !!!؟؟

می‌گویند قرآن کتاب آسمانی، حرف، تصمیم و اراده خدا بوده که در علم ازلی خداوند همه چیز و همه واقعات جهان در آن پیشبینی شده و این کتاب توسط جبرئیل به محمد نازل شده است، با در نظر داشت چنین باورمندی به وضاحت می‌توان دید که اسلام ابتدائی (قرن هفتم میلادی) – تبلیغ – و فتوحات شمشیری و چپاول هستی و تسلط آنها بر مردم، در مقایسه با اسلام که امروز می‌بینیم این کتاب واقعاً هدایت دهنده‌ای است برای قتل و کشتار!! و محمد خودش با مفکوره‌ای که داشته غرض رهکشائی و رسیدن به یک امپراتوری قدرتمند دینی که شکل مقدس و آسمانی به آن داده با اتکاء به قانونمندیهای خرافی اجتماعی این کتاب را ابتکار نموده و به نام کلام الهی صادر نموده است؟؟ با خواندن عمیق و بدون غرض قرآن به زبان مادری خود هر فردی متوجه یک سلسله نواقص و

بیراه گفتن هائی می‌شود که از دانش و اخلاق خدائی که **خالق کائنات و هستی بشریت و تمام موجودات اگر او را حساب** نمود، دور می‌باشد، بسیاری قسمت‌های آن طفلانه و از زبان فردی متعصب و گاهی هم از زبان شخص عاجز و بیچاره‌ای گفته شده که با شأن و شوکت همان خدائی که در قرآن از آن ذکر به عمل آمده، دور بوده و بعید به نظر می‌رسد؟؟

در شرایط امروز وقتی که صحبت از اسلام و قرآن می‌شود معرف آنهم با لباس‌های مدرن و فیشنی جلو چشمان ما قرار می‌گیرد آسمانخراش‌های مدینه، مکه، ریاض، دبی و جزیره‌های شیخ نشین جلو چشم شنونده به رقص می‌آید، همچنان قیافه‌های ظاهرا آرام مثل رازی، ابن سینا، ملا صدرا، سید قطب، محمد قطب و همچنان چهره‌های کریهه‌ی مثل سیاف، ربانی، گلبدین، ملا عمر و یا عبدالله عبدالله و قانونی با دریشی‌های اتو شده و یا چند بی‌سواد ریشدار و بی‌ریش نوگر‌های اعراب جلوه‌نمائی می‌نمایند، شنونده هرگز در فکرش خطور نمی‌کند که اسلام و مسلمان آن روز با اسلام و مسلمان امروز خیلی فرق دارد؟؟ اسلام آن روز در بین مردم قبایلی نیمه وحشی و گمراه که برای امرار معاش زندگی روزمره خود و فامیل به چپاول و تاراج زندگی دیگرانی که کمی مرفه‌تر از آنها بود مشغول بود و صحراهای سوزان، نبودن آب نوشیدنی به قدر کافی، عدم وجود جنگلات و درختان سایه دار، عسیره‌های گرسنه و بیکاری را بار آورده که فقط جسارت در وجود انسانهای آن منطقه مانده بود و همین وضع باعث تهداب‌گذاری بهشت‌های خیالی محمد گردید. برای فهمیدن زندگی مردمان آن دوره فقط مطالعه (اشعار) مردمانی که در آن زمان می‌زیسته‌اند کافی است!!؟؟

البته این مبحثی جداگانه است که به آن هم خواهیم پرداخت، (انگیزه اصلی پیدایش تخیلات بهشت، دوزخ، جهاد، غنیمت و... را باید به بررسی گرفت تا بتوان اسلام ناب محمدی را تجسم بخشید) و فعلاً موضوع صحبت ما فقط بر ملا ساختن گوشه‌ای از تضاد‌های قرآن و همچنان بررسی این که در اسلام و قرآن گفته شده که انسان مجبور به قبول دین نیست و می‌تواند مطابق میل و خواسته خود برای خویش دینی را انتخاب و پیرو آن باشد و یا هم اصلاً اگر می‌خواهد بی‌دین باشد!!؟؟ (اکراه در دین نیست) بلی این آیت قرآن بوده و به گفته آن‌ها حرف خدا می‌باشد.

با وجودی که قسمت‌های زیاد قرآن از داستانها و سرگذشت یک تعداد شاهان و یا نام‌آوران فلسطینی و یهودی که در مقطع‌های زمانی به نام پیامبران زیسته‌اند پر و تشریح شده و همچنان بیان‌کننده عادت‌ها و باورهای آن مردم می‌باشد، البته قسمت کوچکی از آن هم در مورد هدایات و اوامر خداوندی و رهنمائی اعراب گفته شده است، اگر آیاتی که به ارتباط مشکلات جنسی پیامبر مسلمین و دستوراتی که به خانم‌های شان داده شده یعنی آیاتی مربوط به اتاق خواب محمد را سر جایش بگذاریم آنچه که باقی می‌ماند هدایت در کشتار دیگر اندیشان است و بس؟؟

با خواندن مکرر قرآن متوجه خواهید شد که در باره بعضی از احکام و موضوعات اجتماعی در بخش‌های مختلف آیاتی گفته شده که به علاوه آن که باهم همخوانی ندارد نقض‌کننده یک دیگر هم می‌باشند!! حال اگر صدور این آیات متناقض در باره هم‌خوابی محمد با کنیزان و یا خانم‌هایش و یا این که در باره موجودیت جن، پری، دیو، ملائکه، فرشته‌های بالدار و یا بی‌بال و... باشد از آن سرسری گذشته و آن را نادیده گرفته و می‌توان شبیه یک افسانه از خواندن و یا شنیدن آن لذت برد!!؟؟ اما متأسفانه آیاتی وجود دارد که پیروی از هر کدامش مسیر جداگانه‌ای را پیموده و باورمند را در جهت مخالف پیروی از آیت دیگر می‌کشاند.

فعلاً از ذکر تمامی آیاتی که در باره دهها موضوع در تناقض قرار دارند منصرف و آن را موکول به آینده می‌سازم فقط می‌پردازم به تناقض‌گویی آیاتی که مردم را به دین اسلام دعوت می‌نمایند:

سوره زمر آیت ۴۱ و سوره بقره آیت ۲۵۶ بیان می دارد که در قبول دین زور و اجبار نیست؟؟ هر کس به خوشی خود اگر قبول نماید به نفع او بوده و اگر دین اسلام را قبول نکند به ضررش خواهد بود اختیار دست خودش است و زور و ستم و فشار در بین نیست، البته زمانی که محمد در مکه بود و حرفش شنوائی نداشت، قریش تمسخرش می نمود و او فاقد هر نوع قدرت نظامی بود همچو آیاتی گفته می شد اما کاش پژوهشگران اسلامی ما با دگری از آیات نازل در زمان قدرتمندی و سر بریدن مخالفان محمد هم یاد آوری می نمودند؟؟ حالا من با خواندن همان قرآن و ذکر چند آیتی خلاف آنچه پژوهشگران و داکتران اسلامی خوش باور ما گفته اند توجه هموطنان را به آن مبذول می دارم:

با توجه به این که یک تعداد از مفسرین قرآن در تفسیر بعضی از آیات قرآن از مبحث (ناسخ و منسوخ) صحبت می دارند، چون در غیر آن برای شان بسیار مشکل خواهد بود تا از آیات ضد و نقیض در مورد موضوع مشخص به دفاع برخیزند، اولاً موافق بودن با (با بحث ناسخ و منسوخ) نشان دهنده آن است که مسلمانی که از این دریچه صحبت می دارد، به خدای با عظمت با قدرت لایزال و اشتباه نا پذیر ایمان کامل ندارد، چون در صورت داشتن ایمان کامل و بی چون و چرا باید توجه داشته باشد که خداوند اشتباه نمی کند و مثل انسانهای بی مسؤولیت چیزی نمی گوید، هدایتی نمی دهد، تا بعداً پشیمان شده و گفته قبلی خود را منسوخ نماید و آیتی بهتر و خوبتر نازل نماید، (نظر به باور مسلمانها و عقیده شان) حرف و هدایت خداوند باید یکی باشد نه این که یک گفته را با فرموده دیگرش رد نماید!! قبول ناسخ و منسوخ بودن آیات قرآن جز فریبکاری و اغوای پیروان آن عقیده چیزی دیگری نیست؟؟!!

با اختصار از چند آیت قتل و کشتار کافران و آنانی که اسلام را نپذیرفته و خواهان قبول دینی دیگری بوده اند و یا این که اصلاً برای خود شان ضرورت پیرو بودن از دینی را نمی دیدند ذکر می نمایم، تا خواننده گرانمایه با توجه به این که (در دین اکراه نیست) نخست خود و بعداً دیگران را قناعت دهند.

سوره انفال آیت ۳۹: (با آنان نبرد کنید تا دیگر قتنه ای نباشد و دین همه دین خدا گردد پس اگر باز ایستادند خدا کردار شان را می بیند) سوره احزاب آیت ۶۱: (اینان لعنت شدگان اند هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند) فکر می کنم بیانیهِ و فتوای آقای جانی و وحشی عبدالرسول سیاف که چندی قبل از تلویزیون ها نشر شد بر پایه همین آیت قرآن شریف بوده است که گفت: **بکشید و سخت بکشید**!!!!!!؟؟

سوره التوبه آیت ۲۸: (ای کسانی که ایمان آورده اید این **مشرکان نجسند** و از سال بعد نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر از بینوائی می ترسید خدا اگر بخواهد به فضل خوش بی نیازتان خواهد کرد زیرا خدا دانا و حکیم است) سوره التوبه آیت ۲۹: (کسانی را از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیز هائی را که خدا و پیغمبرش حرام کرده است بر خود حرام نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند **بکشید** تا آنگاه که به دست خود در عین مذلت **جزیه** بدهند) سوره النساء آیت ۸۹: (دو ست دارند همچنان که خود به راه کفر می روند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید پس با هیچ یک از آنان دوستی م کنید تا آنگاه که در راه خدا مهاجرت کنند و اگر سر باز زدند در هر جا که **آنها را بیابید بگیرید و بکشید** و هیچ یک از آنها را به دوستی و یاری بر مگزینید) سوره محمد آیت ۴: (چون با کافران **رو به رو شدید گردنشان را بزنید** و چون آنها را سخت فرو فگندید **اسیرشان کنید** و سخت ببندید آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیهِ، تا آنگاه که جنگ به پایان آید و این است حکم خدا، و اگر خدا می خواست از آنان انتقام می گرفت ولی خواست تا شما را به یک دیگر ببازماید و آنانی که در راه خدا کشته شده اند اعمال شان را باطل نمی کند)

و ده‌ها آیت دیگر!

البته در باره غنائیم، جزیه، برده و کنیز در بحث جداگانه تحلیل و به بررسی آن خواهیم پرداخت. با نظر اندازی گذرا به روند پیشرفت های انسانی و تکامل آنها از انسانهای ابتدائی تا به شکل امروزی به وضاحت می توان دید که بشر با هر قدمی که در راه تکامل بر داشته است متوجه نواقص و کمی و کاستی های گذشته خود شده و تا اندازه توان کوشیده تا آن نواقص گذشته را با عمل کرد های جدید و تازه و ابتکاری از بین ببرد؛ اما در همین پروسه یکی از ادیان مثل گل سمارق کوهی بی خصلت تصادفاً (اما نه اکثراً) سر بر آورده و باعث مسموم شدن اندیشه های روشن همان دوره ها شده است!! پدیدار شدن ادیان در جوامع مختلف انسانی ظاهراً جنبه مثبت داشته اما در عمق خود، غرض تحمیق توده ها و تلقین غیر مؤثر بودن رول آنها در تحولات اجتماعی و سیاسی، بوده است. اما قبول این که خداهم مثل بندگان اشتباه می کند و در یک جای قرآنش چیزی می گوید و در صفحه دیگر خلاف آنچه قبلاً گفته است، برای آدم های دیندار نباید قابل قبول باشد؟؟ به نظر من این خدا نبوده که اشتباه نموده بلکه بنده ای سلطنت خواه که قصد ایجاد امپراتوری را داشته در زمانه های مختلف غرض تطبیق گفته هایش به آن شکل آسمانی و مقدس داده و در صدور آن بنا بر ایجابات همان شرایط مشخص یک چیزی گفته تا حافظ منافع سیاسی و اجتماعی او و دار و دسته چپاولگرش باشد، که البته نمی تواند خالی از اشتباهات باشد.